

اسم و موقعیت قانونی آن

(۲)

مرجع تغییر اسم شخصی - در قواعد مقررات ثبت احوال راجع باین امر صراحتی ملاحظه نمی‌شود. که وقتی اسم از اسامی ممنوعه یا القاب و عناوین منسوخه شد مرجع رسیدگی آن باینکه آیا اسم از اسامی مذکور است یا خیر؟ و یا صدور حکم تغییر یا تصحیح آن با کدام یک از مقامات اداری و قضائی است. و تطبیق آن با قوانین و مقررات این امر چگونه باید صورت گیرد؟ ولیکن آنچه در این قبیل موارد بنظر می‌رسد. و از مجموع قواعد راجعه باین امر استنباط می‌شود.

دو مرجع مختلف را برای تصمیم قانونی می‌توان صالح شناخت. و دو حالت مختلف نیز برای موارد تغییر فرض نمود. اول مورد و موقعیکه اسم شخصی توأم با یکی از اسامی ممنوعه یا القاب و عناوین منسوخه باشد. دوم وقتی که اسم تماماً از اسامی ممنوعه بوده و یا از نوع القاب و عناوین منسوخه است. در فرض اول چون با حذف قسمت یا کلمه ممنوعه اسم واقعی شخص بجای خود محفوظ است و تغییر اصولی و اساسی در آن نخواهد شد. بنابراین اشکالی بنظر نمی‌رسد که از قسمت یا کلمه ممنوعه از طریق اداری صرفنظر گردیده. و بدون آنکه این عمل محتاج تشریفات و یا جریان دیگری از قبیل صدور حکم قضائی و یا موافقت اداری مقام و مرجع خاصی باشد. مراجع ثبت احوال در اولین برخورد باین قبیل اسامی بدون آنکه صاحبان اسم را از اتخاذ و اجرای چنین تصمیمی مطلع نمایند. کلمه یا قسمت ممنوعه را حذف و مطابق ماده ۱۰۲ آئین نامه ثبت احوال مصوب اردیبهشت ۱۳۱۹ مراتب را در اسناد سجلی شخص قید کنند. و اتخاذ چنین ترتیبی مبتنی بر منطق و فلسفه قابل قبولی است زیرا نه از صاحب سند حقی منقضى می‌شود. و نه برای وی وضع جدیدی از لحاظ احوال او پیدا می‌شود. که در نتیجه مستلزم تحصیل موافقت و رضایت قانونی او گردد. لذا در این حالت از تغییر اسم شخصی مراجع محل تنظیم سند را که ثبت احوال است قانوناً باید صالح دانست.

در حالت دوم یعنی موقعی که اسم کلاً و جزاً از اسامی ممنوعه یا القاب و عناوین منسوخه است. در این صورت واضح است که تمام ترکیبات اسم شخصی قابل حذف و از نظر قانونی فراموش شدنی است. و دارنده اسم ممنوع الاستعمال و یا لقب منسوخ فاقد اسم شخصی است. و احتیاج به تعیین وضع تازه در قسمتی از احوال خود دارد. که نمی‌توان عیناً با تصمیمی در این خصوص اجراء کرد. لذا باید صاحب اسم در این مورد از احوال خود با اختیاراتی که دارد وضع جدیدی در تعیین اسم شخصی اتخاذ و قانوناً در اسناد سجلی خود تسجیل نماید.

اسم و موفقیت قانونی آن

و از آنجائیکه بر حسب مقررات صریح ماده ۹۹۵ قانون مدنی تغییر مطالب اسناد سجلی ممکن نیست مگر بموجب حکم محکمه. لذا دارنده چنین اسمی ناگزیر و ناچار از مراجعه بدادگاه شهرستان و اعلام غیرقانونی بودن اسم خود و تعیین و انتخاب اسم مجازی میباشد. علیهذا در این حالت از تغییر اسم شخصی به معنی واقعی آن مرجع صالح جهت اتخاذ تصمیم و احراز تقاضای شخص دادگاه شهرستان محل تنظیم سند سجلی است.

ولیکن بنظر این جانب و اگذار کردن تغییر اسم شخصی در این حالت بحکم دادگاه شهرستان جز تحمیل تشریفات زایدی برای دارنده اسم و دادگاه مرجع رسیدگی و هکذا ثبت احوال ثمره دیگری ندارد. و اشکالی از نظر حقوقی و قضائی بنظر نمی رسد که هر موقع دارنده چنین اسمی چه در مقابل اداره ثبت احوال از دارنده اسم و چه در قبال تقاضای شخص درخواست تغییر اسم خود را باسم مجازی بنماید. با دریافت موافقت کتبی مصدق در مراجع تصدیق امضاء که با نتیجه تقاضای تغییر اسم بعداً قابل تکذیب و اعتراض نباشد از طریق اداره ثبت احوال اقدام به تغییر آن میشود. فلسفه وضع چنین ترتیبی روشن است. زیرا وقتی در یک قسمت از احوال شخصی قانون و صاحب سند توافق دارند. و اختلاف نظری برای تصمیم طرفین و اجرای آن در اسناد و دفاتر مربوطه نیست. دیگر برای تنظیم دادخواست بطرفیت مدعی علیه موافق و اقامه دلیل و ارائه مدارک ادعا و بالاخره رسیدگی قضائی و صدور حکم ضرورتی بنظر نمی رسد. بالاخص که در انتخاب و اختیار اسم شخصی بشرحی که در بحث گذشته بیان شد مراجع ثبت احوال دخالتی ندارند. و شخص می تواند هر اسم مجازی که علاقمند است برای خود به ثبت برساند.

مرجع حل اختلاف تشخیص اسمی ممنوعه. شاید در بادی امر چنین بنظر می رسد که وقتی در مقررات ثبت احوال انواع و اقسام اسمی ممنوعه و القاب منسوخه بطور مثال مشخص است. موردی برای وقوع اختلاف در تشخیص و تعیین آنها نخواهد بود. در صورتیکه این فکر حسن ظنی بیش نیست. و چه بسا اشخاصی باشند که نسبت با اسمی خود علائق و تمایلات جدی نشان میدهند. و سایرین هم بانان باعتبار عناوین و اسمی شان احترامات و شئوناتی قائل است. و منافع مادی و معنوی آنان با اسمی مزبور تأمین می گردد. لهذا وقتی قانوناً اقدامی برای حذف عناوینشان می شود. طبعاً در صدمه مقاومت منطقی و قانونی بر می آیند مخصوصاً که مقررات ماده ۱۰۲ آئین نامه ثبت احوال دایره تعداد این قبیل کلمات را با کلمه غیره وسعت غیر محصور می دهد.

لذا بدون تردید می توان معتقد به پیدایش اختلاف نظری برای تشخیص اسمی مورد بحث مابین دارندگان آنها و ثبت احوال محل تنظیم سند و یا دادستان گردید. با این وصف باید دید مرجع رسیدگی و تشخیص و اقیعت اسر از نظر قواعد آن کجاست؟ پاسخ این سؤال را باید در قانون و مقررات ثبت احوال جستجو کنیم در حالیکه قانون ثبت احوال و آئین نامه آن در تمام دوره تحولات خود که تغییرات و اصلاحات آنرا فهرست وار در بحث مندرجه در شماره ۴ این مجله ذکر نمودیم. با وجود ضرورتی که به بسط و توسعه قواعد آن بوده. برعکس در هر مورد از موارد قانونی باجمال و اختصار

اسم و موقعیت قانونی آن

بر گذار شده. مخصوصاً در موضوع اسم که رعایت اختصار بوجه بارز و روشنی نمودار است. تا چه رسد بصراحتی که شاید بعید فرض شده که دارندگان اسامی ممنوعه وقتی ممکن است بجهات و دلایل مدعی غیر ممنوع بودن اسامی خود باشند. و تشخیص و توافق در آن منتهی باختلاف نظر گردد!

در هر حال بنظر اینجانب در صورت بروز اختلاف مرجع تشخیص اسامی مجاز از اسامی ممنوعه و حل اختلاف آن دادگاه شهرستان محل تنظیم سند است و بعد از آن در صورت عدم حصول رضایت از حکم دادگاه مزبور دادگاه استان است. چه آنکه به موجب صریح ماده ۴؛ قانون اصلاح قانون ثبت احوال اختلافات اسناد سجلی به ترتیب در این دو دادگاه حل و فصل می شود. و لویانکه عده معتقدند که این اختلافات سوای اختلافات مورد نظر قانونی در ماده مذکور است.

اسامی مستهجن - ممکن است اسم شخص قطع نظر از این که جزء اسامی ممنوعه یا القاب و عناوین منسوخه باشد بنفسه از نظر اصطلاحی یا لغوی زشت یا مستهجن باشد. و در حین تلفظ یا مکاتبه مورد تمسخر و استهزاء دیگران واقع شود. و دارنده اسم را در نزد سایرین تحقیر کند. چنانکه در قواعد راجعه باسم خانوادگی زشت و نا پسند بودن آن یکی از موجبات قانونی تغییر آن بشمار می رود. و از طرف دیگر در موارد انتخاب و اختیار نام خانوادگی یکی از موانع قانونی است. در این صورت وقتی قانون انتخاب اسم شخصی را بغیر از اسامی مذکوره در ماده ۱۰۲ مورد بحث در اختیار شخص گذاشته. و ترتیب خاصی برای استفاده از آن وجود ندارد. در صورتیکه مستهجن بودن اسم مورد تصدیق اداری و قضائی می باشد. آیا قانوناً مجوزی جهت تغییر آن هست یا نه؟ اگر قانون اجازه تغییر آن را نمی دهد. تحمل بار گران خفت و حقارت اجتماعی آن باید برای همیشه بر دوش صاحب اسم بماند؟ و یا می توان برای تغییر این قبیل اسامی راه حل قانونی از جمع و تلفیق قوانین آن پیدا کرد؟

متأسفانه قانون در این مورد کاملاً ساکت است و اصولاً همین طوریکه اجمالاً اشاره شد جز در موارد استثنائی مندرجه در ماده ۱۰۲ آئین نامه ثبت احوال عنوان و اجازه جهت غیر اسم شخصی گویانکه زشت و نا پسند هم باشد ملاحظه نمیشود. و دارندگان اسامی مستهجن بحکم قوانین حاضر ناچار از تحمل نتایج و آثار قانونی جهالت و یا مسامحه خود و یا منسولین خودشان می باشند. که در تنظیم اسناد سجلی آنان بعنوان اعلام ولادت و یا اظهار هویت دخالت داشته اند. اگر از طرف دادگاه شهرستان نیز حکمی راجع بتغییر اسامی مستهجن باستدلال اینک زشت و نا پسند است صادر و اجراء شود. محتاج توضیح نیست که عدول از اجازه قانونی تلقی و تخلف قضائی بشمار می رود و ضرورت اجتماعی و اقتضای مصالح اخلاقی از همچو تخلفی دفاع نمی کند. و خواه و نخواه باید اذعان نمود که این هم یکی از نواقص و عیوب مسلم قوانین ثبت احوال است که نباید تحصیل اجازه قانونی تغییر این قبیل اسامی در دادگاه شهرستان بهمین ملاحظات اجتماعی و اخلاقی و بالاخره ضرورت مصالح فردی فراموش شود.

حقوق اشخاص نسبت باسم. حقوق اشخاص نسبت باسمی شخصی خودشان

اسم و موقعیت قانونی آن

با حقوقی که قانوناً با ساسی خانوادگی و تجارتهی و نویسنده گی و هنری دارند فرق میکند و دارای آثار متفاوتی است. زیرا در مورد نام خانوادگی قانوناً استفاده از شهرت و معروفیت آن تحت شرایط بخصوص اختصاص و انحصار بدارنده حق تقدم آن اسم است. و سایرین نمی توانند دارای چنین اسمی در یک محیط بخصوصی باشند. و اگر احیاناً بدون کسب اطلاع و اجازه دارنده حق تقدم آن و یا اشتبهاً از آن اسم استفاده نمایند. غاصب محسوب میشوند و تکلیف غاصب هم از نظر قانونی روشن است. و هکذا در مورد اسامی تجارتهی که قانوناً حقوق دارنده آن قطع نظر از اختصاصی و انحصاری بخویش قابل نقل و انتقال بدیگران است که از موضوع این بحث خارج است. در صورتیکه دارنده اسم شخصی بهیچ وجه دارای چنین حقوق و مزایائی نیست. هر کس میتواند هر اسمی را در هر شرایط زمانی و مکانی هم باشد اختیار نماید. و سایرین هم در موارد استفاده از آن بهر عنوانی که باشد مجازند. اما در اجتماعات کوچک و خانواده هائی که با هم روابط و علائق نزدیکی دارند. معمولاً در مواقع انتخاب و اختیار اسم شخصی که احیاناً یکی از افراد خانواده قبلاً دارای آن اسم بوده یکتوگانه تملک اخلاقی بآن قائلند. که استفاده مکرر آن اسکان اخلاقی ندارد که بعضاً برای برطرف کردن تکرار آن متوسل با اسم اضافی می گردند.

اسم و اعتبار نسبی احکام قضائی - احکام دادگاه های دادگستری بر حسب یک اصل کلی برای اصحاب دعوا واجد اعتبار و دارای آثار قانونی است. و برای اشخاص ثالث تأثیری ندارد. و سایرین مکلف بمتابعت از حکم دادگاه نیستند. ولیکن در مورد تغییر اسم چنین قاعده جاری نیست و دارای اثر آشنائی است. یعنی وقتی شخصی را از نظر قضائی بعلل و جهاتی با یک اسم بخصوص بشناسیم این شناسائی اختصاص به ثبت احوال و دارنده اسم ندارد تمام اشخاصی که با تمیز دهنده اسم دارای روابط و مناسباتی هستند. جهة متابعت از حکم قضائی صادره در مورد اسم وی مکلفند. زیرا قطع نظر از اینکه عقلائی نیست که شخصی فردی را مثلاً بنام محمود بشناسد و دیگری با اسم مسعود. و ذاتاً هم یک شخص نمیتواند در یک آن از نظر قانونی دارای دو اسم باشد. و در این جا به بحث خود در مورد اسم شخصی خاتمه داده و بیش از این موجب تصدیع خاطر خوانندگان محترم نمی شود.